



جزوه درس : حسابداری ارزش

مدرس : صفری

ارزش جاری

ارزش جاری دربرگیرنده سه نگرش متفاوت است که عبارتند از ارزش ورودی (بهای جایگزینی)، ارزش خروجی (خالص ارزش فروش) و ارزش اقتصادی (ارزش فعلی جریانهای نقدی مورد انتظار از کاربرد مستمر دارایی و فروش نهایی آن توسط مالک فعلی). در برخی موارد از قبیل ارزشیابی سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار نرخ‌بندی شده، سه نگرش فوق‌الذکر به‌مبالغ تقریباً نزدیک به هم منجر می‌شوند و تفاوت آنها کم بوده و ناشی از هزینه‌های انجام معامله است. در سایر حالات همچون ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود خاص واحد تجاری، تفاوت بین مقیاس‌های مختلف ارزش جاری احتمالاً بااهمیت خواهد بود.

باید قاعده مشخص و معقولی برای انتخاب یکی از مقیاس‌های مختلف اندازه‌گیری ارزش جاری در اختیار داشت. معیار " ارزش برای واحد تجاری " چنین قاعده‌ای را به دست می‌دهد. طبق این قاعده، ارزش جاری برابر اقل " بهای جایگزینی جاری دارایی و مبلغ بازیافتنی " آن تعیین می‌گردد.

" مبلغ بازیافتنی " دارایی بالاترین ارزشی است که مالک فعلی دارایی می‌تواند بدان دست یابد و برابر خالص ارزش فروش دارایی یا ارزش اقتصادی آن، هر کدام بیشتر است، می‌باشد. " ارزش برای واحد تجاری " را می‌توان نوعی به‌هنگام کردن بهای تاریخی با استفاده از قاعده سنتی "بهای تمام شده یا کمتر " دانست.

در مورد دارایی‌ها، ارزش جاری مناسب طبق قاعده " ارزش برای واحد تجاری " انتخاب می‌شود. قاعده مزبور، دارایی را در صورت بالاتر بودن مبلغ بازیافتنی، به جای بهای تمام‌شده تاریخی، به

بهاي جايجزینی ارزیابی می‌کند مشروط به آنکه جایگزینی دارایی توجیه‌پذیر باشد. اگر جایگزینی دارایی قابل توجیه نباشد، دارایی به مبلغ بازیافتنی ارزیابی می‌شود. کاربرد قاعده " ارزش برای واحد تجاری " در مورد بدهیها چندان ضرورتی ندارد چرا که ارزشهای مختلف بدهی، همگی به يك ارزش واحد ختم می‌شوند.

تعاریف

- مبلغ بازیافتنی : خالص ارزش فروش یا ارزش اقتصادی يك دارایی، هرکدام که بیشتر است. بهاي جايجزینی: عبارت است از مخارجی که باید برای خرید یا ساخت يك قلم موجودی کاملاً مشابه تحمل شود.

- خالص ارزش فروش: عبارت است از بهاي فروشی (بعد از کسر تخفیفات تجاری ولی قبل از تخفیفات مربوط به تسویه حساب) پس از کسر:

الف . مخارج برآوردی تکمیل، و

ب. مخارج برآوردی بازاریابی، فروش و توزیع.

- ارزش اقتصادی : ارزش فعلی خالص جریانهای نقدی آتی ناشی از کاربرد مستمر دارایی از جمله جریانهای نقدی ناشی از واگذاری نهایی آن.

- ارزش منصفانه : مبلغی است که خریداری مطلع و مایل و فروشنده‌ای مطلع و مایل می‌توانند در معامله‌ای حقیقی و در شرایط عادی، يك دارایی را در ازای مبلغ مزبور با یکدیگر مبادله کنند.

- بهای جایگزینی مستهلک شده : عبارت است از بهای ناخالص جایگزینی یک دارایی (یعنی بهای جاری جایگزینی یک دارایی نو با توان خدمت‌دهی مشابه) پس از کسر استهلاک مبتنی بر بهای مزبور و مدت استفاده شده از آن دارایی.
 - بهای تمام شده : مبلغ وجه نقد یا معادل نقد پرداختی و یا ارزش منصفانه سایر مابه‌ازاهایی که جهت تحصیل یک دارایی در زمان تحصیل یا ساخت آن واگذار شده است و در صورت مصداق، مبلغی که براساس الزامات خاص سایر استانداردهای حسابداری (مانند مخارج تأمین مالی) به آن دارایی تخصیص یافته است.
 - مبلغ دفتری : مبلغی که دارایی پس از کسر استهلاک انباشته و زیان کاهش ارزش انباشته مربوط ، به آن مبلغ در ترازنامه منعکس می‌شود.
 - ناخالص مبلغ دفتری : بهای تمام شده دارایی یا سایر مبالغ جایگزین بهای تمام شده
 - مبلغ استهلاک‌پذیر: بهای تمام شده دارایی یا سایر مبالغ جایگزین بهای تمام شده در صورتهای مالی ، به کسر ارزش باقیمانده آن.
 - ارزش باقیمانده : مبلغ برآوردی که واحد تجاری در حال حاضر می‌تواند از واگذاری دارایی پس از کسر مخارج برآوردی و واگذاری بدست آورد، با این فرض که دارایی در وضعیت متصور در پایان عمر مفید باشد.
 - ارزش باقیمانده تضمین شده : عبارت است از:
- الف. در مورد اجاره‌کننده، آن بخش از ارزش باقیمانده دارایی که توسط اجاره‌کننده یا شخص وابسته به وی تضمین گردیده است (مبلغ تضمین شده حداکثر مبلغی است که می‌تواند تحت هر شرایطی قابل پرداخت باشد)، و

ب. در مورد اجاره‌دهنده، آن بخش از ارزش باقیمانده دارایی که توسط اجاره‌کننده یا شخص ثالثی تضمین شده است.

ارزش باقیمانده تضمین نشده: عبارت است از آن بخش از ارزش باقیمانده دارایی که اجاره‌دهنده نسبت به تحقق آن اطمینان کافی ندارد یا تنها توسط شخص وابسته به اجاره‌دهنده تضمین شده است.

بررسی ارزش جاری

در مورد مزایای کاربرد ارزش جاری و بهای تمام شده تاریخی در گزارشگری مالی، همواره بحث‌های زیادی بوده است. از آنجا که بهای تمام شده تاریخی مبتنی بر معاملات قابل تأیید است، حامیان استفاده از این سنج، هرچند کمتر به زمان مربوط است، معمولاً آن را قابل اعتماد می‌دانند. در حال حاضر، بهای تمام شده تاریخی معیاری برجسته برای اندازه‌گیری در استانداردهای پذیرفته شده حسابداری به شمار میرود.

در سال‌های اخیر، ارزش جاری از حمایت دست اندرکاران حرفه و استانداردهاگران برخوردار شده است. حامیان این معیار اندازه‌گیری معتقدند که ارزش جاری، موقعیت اقتصادی یک شرکت را بهتر منعکس می‌کند و میتواند به سرمایه‌گذاران در شناخت ارزش بازار کمک کند؛ همچنین نسبت به بهای تمام شده تاریخی از قدرت پیشبینی -کنندگی بیشتری برخوردار است (واکر 1999).

در حال حاضر برخی از استانداردهای حسابداری آمریکا از جمله FAS 2 141 ترکیب‌های تجاری (FAS123)، اختیار خرید سهام (FAS133) ابزارهای مشتقه، استفاده از ارزش جاری را

الزام آور کرده است. در ایران نیز براساس برخی استانداردهای حسابداری (11،15،17،26 و...) استفاده از ارزشهای جاری یا تجدیدارزیایی، مجاز شناخته شده است.

بهای تمام شده تاریخی و ارزشهای جاری از دیدگاه مفاهیم نظری مربوط بودن و قابل اتکابودن اطلاعات حسابداری دو ویژگی کیفی اصلی است که اطلاعات حسابداری را برای تصمیم گیری مفید میسازد. هیأت استانداردهای حسابداری مالی از این معیارها برای انتخاب روشهای حسابداری استفاده می کند.

اطلاعاتی مربوط است که بتواند در تصمیم گیری استفادهکنندگان نقش مؤثری ایفا کند؛ به عبارت دیگر استفاده کنندگان بتوانند از این اطلاعات در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده و یا تأیید یا تصحیح ارزیابیهای گذشته استفاده کنند. سه ویژگی مربوط بودن اطلاعات شامل ارزش پیش بینی کنندگی، ارزش بازخورد و به موقع بودن است.

ارزش پیش بینی کنندگی، ویژگی اطلاعاتی است که به استفاده کنندگان در پیش بینی نتیجه نهایی رویدادهای گذشته، وقایع حال و آینده کمک می کند(همان). اگرچه اطلاعات بر مبنای ارزش جاری ارزش پیش بینی بیشتری نسبت به بهای تمام شده تاریخی ارائه میدهد، هنوز سند تجربی دال بر این موضوع وجود ندارد.

ارزش بازخورد، ویژگی اطلاعاتی است که به استفاده کنندگان در تصحیح یا تأیید انتظارات قبلی کمک می کند.

در زمان تحصیل دارایی، بهای تمام شده تاریخی و ارزش جاری برابر است. ارزش جاری در طول زمان تغییر میکند در حالی که بهای تمام شده تاریخی ثابت می ماند. بنابراین اگر تغییرات ارزش

جاري در گزارشگري مالي شناسايي شود، اين اطلاعات مي تواند انتظارات قبلي استفاده کنندگان را با توجه به وضعيت اقتصادي و تجديد ارزيابي، تصحيح يا تأييد کند.

با اين حال، بهاي تمام شده تاريخي برخي از انواع دارايي هاي ثابت به سادگي قابل اثبات نيست؛ ازجمله دارايبهائي که توسط خود واحد تجاري ساخته مي شود؛ زيرا فقط قسمتي از اين دارايبهائي از موادي ساخته شده است که بهاي واقعي تحمل شده را نشان مي دهد و قسمت باقيمانده، دربرگيرنده اقلام ذهني تري مثل تخصيص دستمزد، سربار ساخت و هزينه مالي است و قابليت ت آييد بهاي تمام شده تاريخي در اين موقعيت خاص، جاي سؤال دارد. در فرآيند تحصيل تجاري شرکتهائي نيز دارايي ثابت شرکت تحصيل شده در صورتهاي مالي تلفيقي براساس ارزش جاري گزارش مي شود؛ ولي اين ارزش به خودي خود و جداگانه از معاملات اثبات پذيرناشي نشده، بلکه بر مبناي برآورد ارزش جاري است.

ارزش جاري که در برگيرنده ي سه نگرش متفاوت است که عبارتند از:

ارزش ورودی

ارزش خروجی

ارزش اقتصادی

در برخي موارد از قبيل ارزشيابي سرمايه گذاري در اوراق بهادار نرخ بندي شده است، سه نگرش بالا به مبالغ تقريباً نزديک به هم منجر مي شوند و تفاوت آن ها کم بوده و ناشی از هزينه هاي انجام معامله است. در ساير حالات همچون ارزيابي دارايي هاي ثابت مشهود خاص واحد تجاري، تفاوت بين مقياس هاي مختلف ارزش جاري احتمالاً با اهميت خواهد بود. بايد قاعده مشخص و معقولي براي انتخاب يکي از مقياس هاي مختلف اندازه گيري ارزش جاري در اختيار داشت.

معیار « ارزش برای واحد تجاری » چنین قاعده ای را به وجود می آورد. طبق این قاعده، ارزش جاری برابر حداقل « بهای جایگزینی جاری دارایی و مبلغ بازیافتنی » آن تعیین می گردد. « مبلغ بازیافتنی » دارایی بالاترین ارزشی است که مالک فعلی دارایی می تواند بدان دست یابد و برابر خالص ارزش فروش دارایی یا ارزش اقتصادی آن، هرکدام بیشتر است، می باشد. « ارزش برای واحد تجاری » را می توان نوعی به هنگام کردن بهای تاریخی با استفاده از قاعده سنتی « بهای تمام شده یا کمتر » دانست. در مورد دارایی ها، ارزش جاری مناسب طبق قاعده « ارزش برای واحد تجاری » انتخاب می شود. قاعده مزبور، دارایی را در صورت بالاتر بودن مبلغ بازیافتنی، به جای بهای تمام شده تاریخی، به بهای جایگزینی ارزیابی می کند مشروط به آن که جایگزینی دارایی توجیه پذیر باشد. اگر جایگزینی این دارایی قابل توجیه نباشد، دارایی به مبلغ بازیافتنی ارزیابی خواهد شد. کاربرد قاعده « ارزش برای واحد تجاری » در مورد بدهی ها چندان ضرورتی ندارد چرا که ارزش های مختلف بدهی، همگی به یک ارزش واحد ختم می شوند.

مبلغ بازیافتنی : خالص ارزش فروش یا ارزش اقتصادی یک دارایی، هرکدام که بیشتر است.

بهای جایگزینی : عبارت است از مخارجی که باید برای خرید یا ساخت یک قلم موجودی کاملاً مشابه تحمل شود.

خالص ارزش فروش : عبارت است از بهای فروش (بعد از کسر تخفیفات تجاری ولی قبل از تخفیفات مربوط به تسویه حساب) پس از کسر:

مخارج برآوردی تکمیل

مخارج برآوردی بازاریابی ، فروش و توزیع

ارزش اقتصادی : ارزش فعلی خالص جریان های نقدی آتی ناشی از کاربرد مستمر دارایی از جمله جریان های نقدی ناشی از واگذاری نهایی آن.

ارزش منصفانه : مبلغی است که خریداری مطلع و مایل و فروشنده‌ای مطلع و مایل می‌توانند در معامله‌ای حقیقی و در شرایط عادی، یک دارایی را در ازای مبلغ مزبور با یکدیگر مبادله کنند.

بهای جایگزینی مستهلک شده : عبارت است از بهای ناخالص جایگزینی یک دارایی (یعنی بهای جاری جایگزینی یک دارایی نو با توان خدمت‌دهی مشابه) پس از کسر استهلاک مبتنی بر بهای مزبور و مدت استفاده شده از آن دارایی.

بهای تمام شده : مبلغی به عنوان وجه نقد یا معادل نقد پرداختی و یا ارزش منصفانه سایر که به ازای تحصیل یک دارایی در زمان تحصیل یا ساخت آن واگذار شده است.

منظور از ارزش بازار چیست؟

ارزش بازاری معمولاً برای اشاره به ارزش بازاری یک شرکت سهامی عام استفاده و با ضرب تعداد سهام موجود آن در قیمت فعلی سهم محاسبه می‌شود. تعیین ارزش بازاری ابزارهای قابل معامله در بورس مانند سهام و آتی آسان‌تر است، زیرا قیمت‌های بازاری آنها به طور گسترده منتشر می‌شود و به راحتی در دسترس است، اما تعیین قیمت بازاری ابزارهای فرابورس مانند اوراق بهادار با درآمد ثابت کمی چالش برانگیزتر است. با این حال، بزرگترین مشکل در تعیین ارزش بازاری تخمین ارزش دارایی های غیرنقدی مانند املاک و مشاغل است که ممکن است به ترتیب به استفاده از ارزیابان املاک و مستغلات و کارشناسان ارزش‌گذاری کسب و کارها نیاز داشته باشند.

آشنایی با ارزش بازاری

ارزش بازاری یک شرکت نشانه خوبی از برداشت سرمایه گذاران از چشم انداز تجاری آن است. دامنه ارزش های بازاری در بازار بسیار گسترده است و از مبالغی کمتر از 1 میلیون دلار برای کوچک ترین شرکت ها تا صدها میلیارد دلار برای بزرگترین و موفق ترین شرکت های جهان تغییر می کند.

ارزش بازاری توسط ارزش گذاری ها یا نسبت های متعددی که سرمایه گذاران به شرکت ها نسبت می دهند، مانند نسبت قیمت به فروش، قیمت به درآمد، ارزش شرکت به درآمد پیش از کسر بهره، مالیات، استهلاک و انقضا و غیره تعیین می شود. هر چه ارزش گذاری ها بالاتر باشند، ارزش بازاری نیز بیشتر می شود.

نکات کلیدی

ارزش های بازاری ماهیتی پویا دارند، زیرا به مجموعه ای از عوامل که از شرایط عملیاتی فیزیکی گرفته تا شرایط اقتصادی و پویایی تقاضا و عرضه را شامل می شوند، بستگی دارند.

ماهیت پویای ارزش های بازاری

ارزش بازاری می تواند در طول دوره های زمانی مختلف نوسان بسیار زیادی را تجربه کند و به شدت تحت تأثیر چرخه تجاری است. ارزش های بازاری در طول بازارهای نزولی که با رکود همراه هستند، سقوط می کنند و در طول بازارهای صعودی که در طی توسعه اقتصادی اتفاق می افتند، افزایش می یابد.

ارزش بازاری همچنین به عوامل متعدد دیگری مانند بخشی که شرکت در آن فعالیت می کند، سودآوری آن، بار بدهی و شرایط کلی بازار بستگی دارد. به عنوان مثال، شرکت X و شرکت B ممکن است هر دو 100 میلیون دلار فروش سالانه داشته باشند، اما اگر شرکت X یک شرکت

فناوری با رشد سریع و شرکت B یک خرده‌فروش با رشد کند باشد، ارزش بازاری شرکت X معمولاً بسیار بالاتر از ارزش شرکت B خواهد بود.

در مثال بالا، سهام شرکت X ممکن است با مضرب 5 از میزان فروش این شرکت معامله شود که به آن ارزش بازاری 500 میلیون دلاری می‌دهد، در حالی که سهام شرکت B ممکن است با مضرب 2 از میزان فروش آن معامله شود، که ارزش بازاری آن را برابر 200 میلیون دلار می‌سازد.

ارزش بازاری یک شرکت ممکن است تفاوت زیادی با ارزش دفتری یا سرمایه سهامداران داشته باشد. اگر ارزش بازاری شرکت بسیار کمتر از ارزش دفتری باشد، معمولاً ارزش‌گذاری سهام آن کمتر از اندازه تلقی می‌شود، به این معنی که سهام با تخفیف زیادی نسبت به ارزش دفتری هر سهم معامله می‌شود. این مسئله بدان معنا نیست که اگر سهام با ارزش افزوده نسبت به ارزش دفتری معامله شود، ارزش‌گذاری بیش از اندازه خواهد داشت، زیرا این مسئله باز هم به بخش محل فعالیت شرکت و میزان ارزش افزوده سهام نسبت به سهام شرکت‌های دیگر بستگی دارد. ارزش دفتری به عنوان ارزش صریح نیز شناخته می‌شود و می‌تواند به شدت بر ارزش ضمنی شرکت (یعنی برداشت‌های شخصی و تحقیقات سرمایه‌گذاران و تحلیلگران) تأثیر بگذارد، که به نوبه خود به افزایش یا کاهش قیمت سهام شرکت منجر می‌شود.

ارزش بازار سهام (ارزش روز) به چه معناست؟

سهام یک شرکت پس از طی کردن مراحل پذیرش در بازار سرمایه و انجام پذیره‌نویسی با قیمت اسمی، وارد بازار خواهد شد. پس از عرضه سهم در بازار، معاملات سهم آغاز می‌شود و الزامی به انجام معاملات با قیمت اسمی وجود نخواهد داشت.

قیمت یک سهم در بازار بورس با توجه به میزان عرضه و تقاضای موجود برای آن مشخص می‌شود. بنابراین این امکان وجود دارد که سهام شرکتی در بازار بورس با قیمتی بالاتر از ارزش اسمی، پایین‌تر از ارزش اسمی یا برابر با آن، مورد معامله قرار گیرد. لذا عواملی مانند شرایط بازار، میزان بازدهی شرکت، وضعیت و بنیان مالی آن، محبوبیت سهام شرکت در بازار و... تعیین‌کننده میزان عرضه و تقاضا و در نهایت، قیمت سهم خواهد بود.

به عنوان مثال ارزش بازار شرکت Apple در تاریخ ۲۸ فوریه ۲۰۲۱ میلادی برابر با ۲.۱۳۳ تریلیون دلار بود. این ارزش بازار با توجه به قیمت سهام شرکت و تعداد کل سهام صادر شده توسط شرکت محاسبه می‌شود. با توجه به این که ارزش بازار یک شرکت در طول زمان تغییر می‌کند، این معیار به عنوان یکی از مهمترین عوامل در تحلیل و سنجش عملکرد شرکت‌ها در بازار سرمایه به کار می‌رود.

موفق و پیروز باشید